

ادامه از صفحه اول

پیرامونی‌سازی چینی

سیاست پیرامونی‌سازی را شاید بتوان مناسب‌ترین رویکرد برای مشارکت چینی‌ها در حکومت‌گری جهانی دانست. دلیل این امر آن است که آنها می‌دانند بحث جایگزینی نظام سلطه لقمه گنده‌تر از دهان‌گرفتن است، بنابراین باید حداقل به مشارکت اکتفا کنند. نیل به این امر (مشارکت در قدرت هژمون) به ایجاد کلتی و بلوک‌بندی با عضویت کشورهای –اگر نگوییم متحد– همراه و هم‌داستان نیازمند است. از نگاه پکنی‌ها، ایران یکی از آن کشورهاست. رفتار چین، به‌ویژه در پکی، دو دهه اخیر که کشور ما به‌دلیل تحریم‌ها و نیازهای دفاعی به سمت آن کشور کشانده شد، شاهد مدعاست. چین در این مدت با ما روابطی برپایه پارادایم پیرامونی‌سازی حاکم کرد. دلیل آن، اینکه به موازات دادن رأی مثبت به تمام قطع‌نامه‌های تحریمی علیه ما در شورای امنیت سازمان ملل متحد و طبعاً مشارکت فعال در بسته‌شدن درهای اصلی روی کشورمان برای داشتن روابط آزاد تجاری با جهان، پنجره‌ای برای دوزدن تحریم‌ها روی ما گشود تا با این دین‌باشی شکلاتی، اقتصاد و تجارت ما را وامدار کند و درنهایت به انحصار خود درآورد. نتیجه این تیول‌داری که به‌درستی همان سیاست پیرامونی‌سازی را تداعی معانی می‌کند، این شد که دیگر توانیم طلب چنده میلیارد دلاری خود را که از محل فروش نفت به آن کشور (که نوعاً معامله‌ای نقدی spot و آن هم صرفاً با دلار است) به وجود آمده و در بانک‌های چینی رسوب کرده بود، به بهانه تحریم و غیرمجازبودن انجام ترانکش مالی با کشور تحریمی، در اختیار بگیریم و وفق هنجارهای همان اقتصاد آزادی که پکن خود را ملزم به رعایت نعل‌به‌نعل آن در روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای اردوگاه غرب می‌دانست، از بانک‌های عامل چینی خارج کنیم و به مصرف نیازهایی که قابل تأمین از چین نبود، برسانیم! اصرار ما در عین انکار چینی‌ها آنها را وادار کرد تا مثلاً راه‌حلی جلوی پای ما بگذارند مبنی بر اینکه ما از محل ۴۰۰۳۰ میلیارد دلار پولمان که در بانک‌های آنها رسوب کرده بود، کالاهای چینی خریداری کنیم؛ چیزی که هاضمه اقتصاد ما حتی نمی‌توانست نیمی از آن را هم هضم کند. راهکار ترندگونه بعدی چینی‌ها این بود که چون به‌دلیل تحریم آمریکا، دلار نمی‌تواند در معاملات با آنها نقش واحد حساب (unit of account) را ایفا کند، بنابراین تهران باید موجودی دلاری خود نزد آن بانک‌ها را به یوان تبدیل کند و معاملات تجاری با چین را با این واحد پولی انجام دهد. این شکل تجارت قایم‌باشکی علاوه‌بر آنکه مستلزم تبدیل ارزی جهان روا (دلار) با ارزی نه‌چندان محکم و تبدیل‌پذیر (یوان) بود، کارمزد ۱۲ درصدی را هم شامل می‌شد که مثلاً هزینه ترانکش مالی بود؛ این در حالی است که در دنیای متعارف تجارت، ترانکش‌های مالی اگر مشمول کارمزد هم شود، کسری از یک درصد است.

ذکر مراتب فوق به معنای تخطئه چین یا

نادیده‌گرفتن و کوچک‌شمردن نقش بارز آن کشور

در اقتصاد و تجارت بین‌الملل و احیاناً تلاش

منذوبخانه برای ترغیب و تشویق مسئولان کشور

به کاهش روابط با آن کشور نیست. این مراتب نه

تحلیل کم‌می‌تواند مورد تردید قرار گیرد و مردود

شمرده شود، بلکه واقعیات و رویدادهایی است که

باید در تنظیم روابط با دومین غول اقتصادی جهان

مسود توجه کامل قرار گیرد و در تصمیم‌سازی‌ها و

تصمیم‌گیری‌های مربوط رعایت شود. گفتنی است

که اگر هم بر این باور شاید هم درست باشیم که ما

به دلایلی که جای ذکر آن در این نوشتار نیست، باید

روابط ویژه‌ای با چین داشته باشیم، باز هم جایز نیست

کشورمان را به سمت آن کشور پله کنیم و در راستای

سیاست چین ساخته پیرامونی‌سازی، «پیرامونیژه»

شویم. چین واقعیتی است انکارناپذیر اما ضرورت

تام و تمام کردن‌نهادن به ایجاد موازنه‌ای متوازن در

روابط با کشورهای جهان به‌ویژه قدرت‌های بزرگ هم

واقعیتی انکارناپذیر است که برای مسئولان کشور

تکلیف ایجاد می‌کند و عدم رعایت و پایبندی به آن

حکم ترک فعل واجب را دارد. اگر هم بر این باوریم

که مراد از شعار «نه شرقی، و نه غربی» دست زدن

به هر قدرت جهان خوری است، باز هم این بدان معنا

نیست که در این مردودشماری یکی را بر دیگری برتر

و برتر بدانیم و بداریم.

ملخص کلام آنکه، وقتی تخم‌مرغ‌ها را در قفط

یک سبد می‌گذاریم، ضمن آنکه از میان راه‌های

متعد و گوناگون پیش‌رو فقط یک راه پیش پای

خود می‌گذاریم، مجوز سوداگری انحصارطلبانه به

طرفی که همه مظهرفحسان را در آن جای داده‌ایم،

می‌دهیم و خود را از برکات رنگین‌کمان انتخاب که

پیش‌روی داشتیم محروم می‌کنیم. نگارنده با این

گوشش که می‌توان برای تنظیم روابط قدرت‌های

جهانی با خود به تضاد بین آنها دامن زد و عایدی

آن را خرج منافع ملی کرد، هم‌رأی نیست، اما این

را هم نباید مغفول و مسکوت گذاشت که ویژگی‌ها

و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران به

آن چنان قدرت بالقوه‌ای داده که قفط از یک نیروی

توازن‌گر (balancer) انتظار می‌رود. ایفای نقش

توازن‌گرز در تنظیم روابط با قدرت‌های بزرگ ندرت‌ها

متضمن خطرات مترتب بر استفاده از تضاد بین

آنها که داستان فیل‌ها و علف‌های زیر پا را تداعی

می‌کند، نیست، بلکه همچون نقش احزاب کوچک

در ایجاد دولت‌های انتلافی می‌ماند که بسیار معقول

و سرنوشت‌ساز است؛ نقشی که به قول آلمانی‌ها،

پادشاه‌ساز (kingmaker) است.

سیاست

تقی آزادارمکی در گفت‌وگو با «شرق» پاسخ داد

کدام جریان سوم از اصلاح‌طلبان عبور می‌کند

نسبت اصلاح‌طلبان با طبقه فرودست چگونه خواهد شد؟



علیرضا رفیعی

مهرشاد ایمانی: اصلاح‌طلبان در سال‌های اخیر توانستند توفیقات سیاسی زیادی به دست بیاورند؛ از انتخابات ریاست‌جمهوری سال‌های ۹۲ و ۹۶ گرفته تا انتخابات مجلس سال۹۴، اما همه اینها باعث نشد که امروز بگوییم اصلاح‌طلبان در حفظ سرمایه اجتماعی خود نیز موفق بوده‌اند؛ سرمایه‌ای که اکنون تصور می‌کند دولت یازدهم و دوازدهم و بخشی از مجلس دهم که با حمایت اصلاح‌طلبان شکل گرفتند، توانستند آن‌طور که باید و شاید به خواسته‌های‌شان جامه عمل بپوشانند. به‌هرروی اصلاح‌طلبان در مقطع کنونی علاوه‌بر محدودیت‌های سیاسی مانند شیوه بررسی صلاحیت‌های نامزدهای انتخابات با کاهش شدید سرمایه اجتماعی هم مواجه شده‌اند و معلوم نیست که این نیروها می‌توانند در آینده به جامعه رجوع و اعتماد اجتماعی را بازسازی کنند؟ و اگر بخواهند به جامعه برگردند به کدام جامعه بازخواهند گشت؟ آیا مانند سابق جامعه هدف آنها طبقه متوسط خواهد بود یا آنکه از این پس می‌توانند گفتمانی مشترک با طبقات فرودست هم پیدا کنند؟ برای بررسی همه اینها ساعتی را با تقی آزادارمکی، جامعه‌شناس و استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، به گفت‌وگو نشستم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

نتیجه صلح، دوستی، سازگاری و همیاری درمی‌آید و نزاعی در میان نخواهد بود.

✎ دو رخداد اعتراضات دی‌ماه۹۶ و آبان۹۸ شاید خلاف تحلیل شما را ثابت کند، زیرا دیدیم که در آن اعتراض‌ها، همان سرمایه اجتماعی ناراضی به خیابان‌ها آمدند و حتی اعتراضاتشان به خشونت هم کشیده شد.

بله سرمایه اجتماعی در دی‌ماه۹۶ و آبان۹۸ به خیابان‌ها آمدند، اما آن اعتراضات در برابر اصولگرایی بود که البته اصلاح‌طلبان هم با آن سرمایه اجتماعی آنها موج می‌زدند و بازهم تأکید می‌کنم که اصلاح‌طلبی لزوماً یک محفل و جریان سیاسی نیست بلکه خواسته مستمر مردم در بستر زمان و مکان است؛ پس با این تعبیر اصلاح‌طلبی با به تعبیر شما سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان، در بسیاری از حوزه‌ها مانند فضای مجازی نفوذ کرده است و برخلاف گذشته که دوگانه اصلاح‌طلب– اصولگرا وجود داشت و در کنار آنها مردم منتظر کنش این دو جریان بودند، اکنون سرمایه اجتماعی در جامعه توزیع شده است؛ بنابراین به‌هیچ‌وجه این سرمایه اجتماعی از بین نرفته، افسرده نشده است و هنوز اصلاح‌طلبی را ادامه می‌دهد و منتظر است تا در بزنگاهی مناسب اثر خود را بگذارد و در یک رخداد سیاسی مهم حضور یابد.

✎ حضور سرمایه اجتماعی مشروط به چیست؟ حضورشان مشروط به چند عامل است؛ نخست آنکه اصلاح‌طلبان باید از ورطه قدرت به تقویت جامعه مدنی وارد شوند. دوم آنکه جریان تکرر قدرت در جامعه ظهور و بروز کند و در آخر مسئله منازعات و رقابت‌های سیاسی به کنش‌های اجتماعی و فرهنگی تبدیل شود؛ یعنی اگر فردی مسئولیت را به دست گرفت، کیفیت زندگی مردم را بالا برد نه آنکه محور را بر تداوم منازعات بچرخاند. به نظر من از این تحلیل

بستگی به آن دارد که این جبهه خود را در منازعات سیاسی تعریف کند و همچنان چشم به قدرت داشته باشد یا آنکه به جامعه متصل شود. می‌بینیم که برخلاف اصلاح‌طلبان، اصولگرایان در جامعه حضور دارند و با مردم در ارتباط‌اند، اما اصلاح‌طلبان چنین شرایطی را برای خود ایجاد نکرده‌اند و صرفاً دل به مطبوعات و تا حدی به دانشگاه و هنر بسته‌اند که کافی نیست. لازم است که بخش دیگری از جامعه را بی

بگیرند و خود را معطوف به بخش بیرونی قدرت کنند. واقعاً برای من عجیب است که چرا یک وزیر بعد از دوره مسئولتش بازهم می‌نشیند تا وزیر شود و اگر نشد برای خود احیا کند؟

بستگی به آن دارد که این جبهه خود را در منازعات سیاسی تعریف کند و همچنان چشم به قدرت داشته باشد یا آنکه به جامعه متصل شود. می‌بینیم که برخلاف اصلاح‌طلبان، اصولگرایان در جامعه حضور دارند و با مردم در ارتباط‌اند، اما اصلاح‌طلبان چنین شرایطی را برای خود ایجاد نکرده‌اند و صرفاً دل به مطبوعات و تا حدی به دانشگاه و هنر بسته‌اند که کافی نیست. لازم است که بخش دیگری از جامعه را بی بگیرند و خود را معطوف به بخش بیرونی قدرت کنند. واقعاً برای من عجیب است که چرا یک وزیر بعد از دوره مسئولتش بازهم می‌نشیند تا وزیر شود و اگر نشد برای خود احیا کند؟

امیرمحمد حسینی: وزارت خارجه همچنان موضوع را مسکوت گذاشته

است. نماینده اشنویه به وزیر خارجه دراین‌باره تذکر داده و گزارش استانداری

آذربایجان غربی به مرکز رسیده است. اینها سرخط آخرین اخبار درباره

کشته‌شدن دو شهروند کرد ایران در منطقه مرزی مشترک با عراق است، آنها

که برای جمع‌آوری گیاهان کوهی به کوهستان زده بودند و هدف بمباران قرار

گرفتند و آن مسیر صعب‌العبور را بر شاه‌های اقوامشان بازگشتند. درحالی‌که

پیکرهایشان به یخ زده بود. فرماندار اشنویه به «شرق» می‌گوید که گزارش

استانداری دراین‌باره به مرکز فرستاده شده است. عبدالسلام مام‌عزیزی درباره

جزئیات این واقعه هم توضیحاتی می‌دهد. هرچند به گفته او همه این

اطلاعات حاصل مشاهدات نفر سومی است که از این بمباران جان به در برده

است. به همین دلیل جزئیات موضوع و احتمال بالای بمباران از سوی نیروی

هوایی ترکیه نیز باید به تأیید مراجع امنیتی برسد.

اطلاعات ما از مشاهدات نفر سوم است

مام‌عزیزی تأکید می‌کند که دو فرد کشته‌شده در خاکورک ایرانی و اهل

اشنویه هستند. او می‌گوید آنها احراز هویت شده‌اند و تأیید شده که در عمق

دو یا سه کیلومتری خاک عراق هدف بمباران قرار گرفتند. اما این را که این

بمباران چطور انجام شده، باید مراجع امنیتی تشخیص بدهند. به گفته

فرماندار اشنویه نفر سوم جمع تعریف کرده که پس از گردوخاک ناگهانی

اطراف آن دو فرد همراه او کشته شده‌اند؛ نفر سوم پیکار را ندیده است.

دو نفر نرسشته بودند و او هم دراز کشیده بود. فقط می‌گوید گردوخاکی به

پا شد و بعد دیدم که آن دو نفر کشته شدند. چون پیش از گردوخاک هیچ

سروصدایی نشنیده، تصور می‌کند که پیکار آنها را هدف قرار داده است.»

فرماندار اشنویه درباره روندی که منجر به دیر رسیدن گزارش واقعه به تهران

شده هم توضیح می‌دهد. موضوعی که سخنگوی وزارت آن را دلیل عدم

موضع‌گیری درباره این اتفاق نتوان می‌داند. عباس موسوی در پاسخ به

سؤال «شرق» دراین‌باره گفته بود: «طبق اطلاعاتی که مقامات استانی به ما

تلاش می‌کند به مجلس وارد شود. واقعاً این روحیه عجیب است. در کشورهای توسعه‌یافته یک مسئول سیاسی بعد از دوره کاری‌اش سعی می‌کند با ایجاد خیریه‌ها یا ورود به دانشگاه‌ها با مردم ارتباط نزدیکی بگیرد تا درک کند که جامعه چه می‌خواهد، اما در ایران چنین رویه‌ای مطلقاً وجود ندارد و یک مسئول تصور می‌کند تا باید مسئولیت بگیرد.

✎ برخی در راستای همین بحث می‌گویند باید اکنون قائل به یک تقسیم‌بندی جدید در میان اصلاح‌طلبان باشیم آیا این تقسیم‌بندی را قبول دارید.

بله، برخی تمام دغدغه‌شان قدرت است؛ مثلاً

اصلاح‌طلبان کجای عرصه ورزش حضور دارند؟

اصلاح‌طلبان در کجای عالم موسیقی تعریف

می‌شوند؟ کدام خیریه را تأسیس کرده‌اند؟ به جز

آقای خاتمی کدام اصلاح‌طلب از سرمایه‌اش اعم از

سرمایه اجتماعی، ثروت و شهرتش برای رفع مشکلات

مردم استفاده کرده است؟ نەتنتها چنین چیزهایی در

میان نبوده، بلکه برخی صرفاً بر نیل به قدرت اصرار

می‌ورزند که به نظر من رویکرد کاملاً نادرستی است.

✎ شما از ضرورت بازگشت اصلاح‌طلبان به جامعه سخن گفتید. اصلاح‌طلبان نشان داده‌اند که

از سال۷۶ تا کنون جامعه‌هدفشان طبقه متوسط و

کاهی طبقه متوسط دانشگاهی بوده است. در حال

حاضر که بخش عمده‌ای از دغدغه مردم معیشت

است و حتی بخشی از طبقه متوسط هم به طبقه

فرودست پیوسته‌اند، آیا می‌توان انتظار داشت که

اصلاح‌طلبان زبان مشترکی با طبقه فرودست پیدا

کنند؟

من فراتر از این چیزی که شما گفتید می‌گویم؛

اصلاح‌طلبان حتی با طبقه متوسط هم همراه نشده‌ند.

در حال حاضر بهترین راه این است که نیروهای

اصلاح‌طلب با طبقه متوسط آشتی کنند و سپس در راستای رفع شکاف‌ها و نابرابری‌ها کام بردارند. از سوی دیگر، انواع سرمایه خود را برای رفع مشکلات هزینه کنند. همان‌طور که اصولگرایان هم باید این کار را بکنند و اتفاقاً این مسئولیت بیشتر بر دوش آنها سنگینی می‌کند، زیرا قدرت و ثروت در اختیار آنهاست. منظور من تحکیم ایدئولوژی فرزنددایی نیست بلکه می‌گویم باید نابرابری‌ها کاهش یابد و جامعه تقویت شود.

✎ اصلاح‌طلبان برای درک متقابل طبقه فرودست باید چه‌کار کنند؟

طبقات پایین با حرف‌زدن کاری ندارند، آنها عمل می‌خواهند. باید برای مردم کار کرد تا اعتماد آنها جلب شود، وگرنه اگر مستقیم سراغ جامعه برویم، هرج و مرج می‌شود. اصلاح‌طلبان باید نتیجه را به مردم فرودست نشان دهند. این راحل اصلاح‌طلبانه است در غیر این صورت می‌توان یک فرد پوپولیست با شعارهای چپ‌گرایانه آورد تا با تهییج مردم منجر به هرج و مرج شود. اگر بناست اصلاح رخ دهد، افراد به جای آنکه به شیوه‌ای غوام‌گرایانه مدام در میان طبقات پایین ظاهر شوند، باید کار کنند تا آن طبقات نتیجه مثبت اقدامات ایشان را مشاهده کنند و اعتمادشان بازگردد.

✎ برخی از اصلاح‌طلبان مشکلات موجود در جبهه اصلاحات را به نبود لیدر واحد نسبت می‌دهند. این موضوع چقدر اثرگذار بوده است؟

جریان اصلاح‌طلبی لیدر دارد و او کاملاً از‌سوی جامعه به رسمیت شناخته شده است و او سیدمحمد خاتمی است. اصولگرایان که لیدر تشکیلاتی و جریان‌ی ندارند، مدام نمی‌گویند لیدسر نداریم. بعداً از آقای مهدوی‌کنی عملاً هیچ‌کس در قامت لیدری جریان

اصولگرایی وجود ندارد؛ در عین حال آنها چنین

حرف‌هایی را نمی‌زنند و به کارشان ادامه می‌دهند؛

از سوی دیگر، برخی گویی دنبال حکم‌دادن لیدر

اصلاحات هستند؛ درصورتی‌که رهبران جریان‌های

سیاسی و اجتماعی حکم نمی‌کنند و این مردمانی‌اند که

از آنها حکم می‌خواهند. کدام اصلاح‌طلب خواسته

است که خاتمی تعیین‌کننده باشد که حالا می‌گویند

او لیدر اصلاحات نیست؟ از رهبر چه انتظاری باید

داشت؟ مگر آقای خاتمی در چند انتخابات اخیر تأثیر

چشمگیر نداشت؟ پس این سخنان منطقی نیست

صرفاً کلی‌گویی لیدرزدایی از جریان اصلاحات دارد.

✎ باتوجه به اختلافات موجود در اصلاح‌طلبان

آیا آنها می‌توانند تا کنش مهم سیاسی بعدی،

یعنی انتخابات۱۴۰۰، به یک وحدت نظری و عملی

برسند؟

ضرورت‌هایی پیش می‌آید که نهایتاً به انسجام

می‌رسند. وقتی اقبال بسیاری از اصلاح‌طلبان از بین

برود و ببینند که دیگر جایگاهی در میان مردم ندارند و

مردم هم خواهان تغییر باشند، بر اصلاح‌طلبان حکم

می‌کنند که بازهم به لیدر جریان خود رجوع کنند و از

او بخواهند که با یک کنشگری جامع این خاموشی و

سردی جامعه و سیاست را از بین ببرد؛ بنابراین راه اجبار

این امر خط خواهد داد.

✎ برخی در همین انتخابات۱۴۰۰ به وجود می‌آید؟

بله، در همین انتخابات و برخلاف نزاع‌های رایجِ

اصولگرایی و اصلاح‌طلبی.

✎ پس جریان سومی شکل نمی‌گیرد و باید بازهم

شاهد بازگشت اصلاح‌طلبان به جامعه باشیم؟

جریان سومی شکل می‌گیرد، جریان سومی خارج از

اصلاحات که اصلاح‌طلبی را در میدان می‌آورد. جریان

سومی که اصولگرا یا اصلاح‌طلب به معنای سنتی‌شان

نیست اما به‌شدت متمایل به اصلاحات است.

روزنه

رئیس‌جمهور:

امیدواریم به زودی در مناطق سفید مدارس را بازگشایی کنیم

● ایسنا: رئیس‌جمهور روز گذشته در مراسم بزرگداشت مقام معلم با تأکید بر اینکه در دوران استثنایی کرونا قرار داریم، گفت: در شرایطی قرار گرفته‌ایم که در تاریخ انسانی ماندگار شد و از این پس خواهند گفت که در کرونا چه بر سر انسان آمد و بساکرونا چ‌شد.

حسن روحانی با اشاره به اینکه مردم ما در این دوران فشار تحریم را هم تجربه کردند، افزود: در دوران فشار کرونا شرایط اخلاقی مردم ما و تاب‌آوری آنان بی‌نظیر بود و این را هم در تاریخ می‌توان نوشت. مردم ما با فرهنگ بلندشان به خوبی صدای ما را شنیدند و رعایت کردند، درحالی‌که در برخی کشورها، دولت‌ها وادار به استفاده از سلاح و نیروی نظامی شدند.

او با بیان اینکه ما سه هفته در دوران اوج شیوع کرونا بودیم، عنوان کرد: راهی طولانی برای گذشتن از اوج پیش‌رو داریم، اما به سمت آن حرکت کرده‌ایم و اکنون در این مسیر راه می‌رویم، اما تا زمانی که به یک واکسن نرسیم نمی‌توان با قطعیت سخن گفت.

رئیس‌جمهوری همچنین با بیان اینکه اگر ارتباط فضای مجازی و آموزش معلم و شاگرد نبود، بسیار به خانواده‌ها و کودکان سخت می‌گذشت، گفت: دومادونیم است که هم بچه‌ها نمی‌توانند تفریح مورد نیاز و سفر داشته باشند و حتی نمی‌توانند در مدرسه باشند. این در حالی است که خود فضای مدرسه نشاط فراوانی برای بچه‌ها دارد و یادگیری و رفاقت را می‌تواند در کنار یک محیط برای زندگی داشته باشند.

روحانی با اشاره به اینکه امیدواریم در مناطق سفید به زودی بتوانیم مدارس را باز کنیم، افزود: امیدوارم که کار سامانه شاد که الان وجود دارد مورد توجه قرار گیرد و به مسئولان فضای مجازی و مرکز فتا دستور دادیم که هم امنیت این شبکه تأمین و هم نواقص آن برطرف شود. ضمن اینکه باید مطمئن هم بگویند که کار این شبکه‌چطور بوده است.

او گفت: وقتی مدارس باز شود، باز هم به داشتن این سامانه نیازمند هستیم و ممکن است از آن برای پیام‌هایی که آموزش‌وپرورش می‌خواهد ارائه دهد استفاده شود. پس به غیر از حفظ این سامانه و اصلاح و تکمیل آن ممکن است روزی به این نتیجه برسیم که بخشی از تحصیل را می‌توان به این شکل ادامه داد و این در تغییر شکل کار آموزش ما تأثیر می‌گذارد.

روحانی تأکید کرد: ممکن است به این نتیجه

برسیم که سه روز در هفته یا یک روز در هفته بیشتر

لازم نیست که دانش‌آموزان به مدرسه بروند. البته

برای قضاوت در این زمینه زود است، اما باید به این

موضوع توجه داشته باشیم.

رئیس‌جمهور همچنین گفت: به نظر می‌رسد یک

زبان خارجی و یادگیری آن بسیار لازم است و شاید در

دوره دبستان آغاز آموزش آن بهتر است که حالا در

راهمایی انجام می‌شود که در زمینه بهتربودن

این‌طور باشد که وقتی کسی دوران آموزش را در

مدارس تمام می‌کند بتواند به یک یا دو زبان دیگر

به راحتی و در حد رفع نیازها صحبت کند. همچنین

داشتن یک تخصص در پایان این دوره و فراگیری زبان

مجازی هم بسیار لازم است.

شورای سیاست‌گذاری ائمه‌جمعه‌کشور خبرداد

اقامه مجدد نماز ۱۸۰۰ پایگاه‌نماز جمعه

● خبرآنلاین: شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه کشور در اطلاعیه‌ای در مورد مراسم عبادی ـ سیاسی نماز جمعه بیان کرد: اقامه مجدد نماز در ۱۸۰۰ پایگاه نماز جمعه، از این هفته آغاز خواهد شد و در ادامه همکاری و هماهنگی با ستاد ملی مقابله با کرونا، مراسم عبادی ـ سیاسی نماز جمعه تا اطلاع ثانوی در مراکز استان‌ها اقامه نخواهد شد و در سایر شهرستان‌ها و مناطق، تابع تعیین و اعلام مصادیق جدید از مناطق سفید خواهد بود. در این اطلاعیه آمده است: «سه‌هم شما نمازگزاران گرانقدر دراز است از: رعایت فاصله اجتماعی، حتی در زمان اقامه نماز (بر اساس الگوی تطبیق‌یافته با ملاحظات شرعی)، استفاده از ماسک و دستکش (شرعاً مانع اقامه نماز محسوب نمی‌شوند)، استفاده از سجاده و مهر شخصی، یا استفاده از مهر سنگی با قابلیت ضدعفونی (سجده بر سنگ شخصی است)، وضوگرفتن در خانه، شستشوی مرتب دست‌ها با صابون یا مواد ضدعفونی (اگر پایه الکل طبی باشد، شرعاً مسکر محسوب نمی‌شود و نجس نیست)، خودداری از توزیع نذورات در محل برگزاری نماز، خودداری افراد سالمند و دارای بیماری زمینه‌ای از شرکت در نماز، استفاده از کیسه کشش یکبارمصرف، خودداری جدی افراد دارای علائم سرماخوردگی یا علائم مشابه بیماری کووید ۱۹ از شرکت در نماز (سهل‌انگاری در انتقال بیماری، موجب ضمان شرعی است). کوتاه‌کردن زمان توقف در محل، قبل و بعد از نماز و بالاخره خودداری از لمس چشم، گوش، بینی و دهان، تا زمان بازگشت به منزل و شستشوی مجدد دست‌ها».